

درباره	سال هفتم	شماره ۶۸۶
	سه شنبه ۱۶ مهرماه	۱۳۸۷
	برابر ۷ شوال	۱۴۲۹



گشایش این خا‌کرین، ادای دینی است به قدر وسع به رزم دل‌ورانه هشت ساله مدافعان حرم مام وطن و دلیرمردان صحنه‌های خون و حماسه. آنان که بقول شهیدچمران زمانی که شیپورهای جنگ نواخته شد وصف مُردِ آن نامرد، مشخص، مردانه لباس یکپار یابمردی پوشیدند و شولای شهادت بر تن از میانه صاعقه‌های بلا گذشتند. جمعی از این مردان شری‌ن‌نوش رزم شهادت شدند و دیگرانی زخم برداشته و پرتشکسته وگنم‌هم ب‌ایک در کنار ما و دربالای شورها و آبادی‌ها همچنان دلشان در تیش ثانیه‌های عشق و پایداری ست. صفحه ایثار بازتابان آینهٔ هشت سال دفاع مقدس و خاطرات و مخاطرات آن و زنده نگه داشتن فتحنامه عشاقی است که در سبزه‌ی نابرابر، پنجه در پنجه لشکریان صدام و همدستان ناباکرش انداختند و مظلومانه از شرف و آبرو و تمامیت ارضی کشور دفاع کردند و خم به ابرو نیاوردند، اکنون نیز یادمانده‌ان دوران افتخار و حماسه در کوچ‌ه و خیابان و شهر و روستا و… سربازان وطن هستند و هرگاه کشور و دین و ناموس خود و مردمانش را در خطر و صدمه ببینند بی گمان دوباره به نیل حادثه می زنند و بر توستن تک‌تاز لاوری و حمیت نشسته به مکه‌گه می تازند. رسم ایرانی مسلمان از دیرباز تاکنون همینگونه بوده است. در طول تاریخ هیچگاه فرهنگ و کشور و … خویش را به دشمن وناهاده و حتی در دوران سیاه تاخت و تاز مغولان هم دوام آورده و هویت ملی وایرانی خود را از فراسوی همه قتل‌ها و غارت‌ها و هجوم‌ها و ویرانی‌ها حفظ و حراست کرده است. صفحه ایثار این افتخار را دارد که آینه تمام‌نمای رزمندگان ایرانی هیچگاه فرسنگ و کشور و … خویش را به همیشه فارس تا ساحل ابروند و بهمشتیر و بلندی‌های غرب و دشتهای لاله گون جنوب، خون سرخ پاکشان آئین بند خاک میهنی می باشد.

از یکایک رزمندگان، ایثارگران، جانبا‌زان و خانواده‌های معززشان صمیمانه دعوت می کنیم تا در انعکاس ایثارگری‌ها و حماسه‌های رزمندگان هرمزگان در هشت سال دفاع مقدس و سرفرازی پس از آن دوران با ما همراه باشند نوشته‌ها، خاطرات، عکس‌ها، یادمانده‌ها و… خود را در این خصوص برپایمان بفرستند تا در صفحه‌ای که با همین نام و آرزو گشوده شده درج گردد. خاطرها‌ها و یادمانه‌ها که اگر از سینه‌ها بیرون نیاید به دره فراموشی می لغزد. منتظر همدلی‌ها، پیشینه‌ها، آثار و… هم سنکران هستیم.

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق

ثبت است بر جریده عالم دوام ما

در یک طرح متهورانه ای بنام سلطان که توسط دو افسر خلیان شکاری به نام های سرهنگ افشار و سرگرد شوقی بی ریزی شد . قرار گردید به منظور نابود کردن پایگاه الهوریه که تعداد زیادی میراث فرانسوی در آن مستقر بودند ،حمله نمایند . آن ها برای غافلگیری خلیاتان و پدافند عراق ازمرز ترکیه با شش فروند فانٹوم و دو فروند بوئینگ سوخت رسان ۷۰۷ در حالی که توسط دو فروند هوپیمای تام کت (اف ۱۴) اسکورت می شدند، با موفقیت میراث های فرانسوی را منهدم نمودند.

در مراجعت یکی از تام کت ها متوجه حضور ۴ فروند میگ ۲۳ عراقی گردید . مراتب به فرمانده گروه اطلاع داده شد و سرهنگ افشار که در کابین یکی از هوپیمای‌های بوئینگ ۷۰۷ نشسته بود و از طریق دستگاه های ارتباطی هوپیمای ها شنکاری ها در ارتباط بود ، به خوبی می دانست که در حال حاضر میگ های ۲۳ عراقی در منطقه ای بین تاکرها و فانٹوم‌ها پرواز می نمایند و آن گونه که از شواهد بر می آمد خلیاتان عراقی متوجه حضور فانٹوم‌ها نشده اند .

ولی امکان داشت شنکاری های ایران در سر راه برگشت خود با آن‌ها مواجه شوند . لازم به ذکر است در شرایط طبیعی جنگنده های فانٹوم مشکلاتی در رویارویی با میگ های ۲۳ عراقی نداشتند . اما در این ماموریت مهم ، شنکاری‌ها می بایست حتماً برای مواجهه به کشور سوختگیری می نمودند ، به همین دلیل سرهنگ افشار تصمیم گرفت جنگنده های فانٹوم بدون هیچ گونه تغییرمسیری به سوی بوئینگ‌ها و سوخت رسان پرواز نمایند از دیگر مشکلات این پازل هوایی مسلح نبودن هیچ کدام از فانٹوم‌ها به موشک های هوا به هوا بود .

زیرا هر یک از فانٹوم‌ها برای اجرای اهداف از پیش تعیین شده خویش تنها مسلح به ۱۲ بمب ۵۰۰ پاوندی بودند . به همین دلیل فرمانده شجاع عملیات چاره ای جز حضور فرمان درگیری هوایی توسط تام کت‌ها نداشت. بنا براین سرهنگ افشار به دو فروند جنگنده اف - ۱۴ که در طرفین بوئینگ های ۷۰۷ درارتفاع پائین پرواز می کردند دستور داد تا میگ های ۲۳ عراقی را که فلاگر نامیده می شوند را رهگیری نموده و قبل از رسیدن آن‌ها به فانٹوم‌های ما ، نابودشان کنند از آنجایی که وقتی برای تک تلف کردن وجود نداشت ، هر دو تامکت سریعاً از تاکرها فاصله گرفتند و به یکدیگر ملحق شدند و در حالی که ارتفاعشان را به ۱۵۰۰۰ پا افزایش می‌دادند به سمت جنوب ، مکان حضور فلاگر‌ها در حرکت کردند. دو خلیان به تجربه ایرانی به نام های صدقی و طیبی در حین اوج گرفتن با کنترل سیستم‌های الکترونیکی هوپیمایشان فهمیدند که خلیان‌های عراقی از هنوز متوجه حضور آن‌ها نشده اند. لذا برای تسلط بیشتر در نبرد تن به تنی که پیش رو

داشتند ، باز هم افزایش ارتفاع دادند و خود را به ارتفاع ۲۰۰۰۰ پایی رساندند . آن‌ها در حالی که لبخند رضایت برلب داشتند ، خود را مسلط بر دشمن نمودند.

دو فروند اف - ۱۴ های ما در این عملیات با سلطان هفت مجهز به دو قبضه تیر موشک AIM- ۵۴ فینیکس ، دو موشک AIM- ۷ اسپارو و دو تیر موشک ۹ - AIM سایدوایندر مسلح شده بود. همچنین تامکت سلطان هشت نیز مجهز به شش تیر موشک سایدوایندر بود. هوپیمای‌های اف - ۱۴ ما از موشک های دور برد و موثرتری نسبت به حریران خود در اختیار داشتند . اما در آن شرایط هم چیز همچنان منوط به رعایت اصل غافلگیری بود . تا میادای نیروی هوایی عراق متوجه حضور آنها شده و جنگنده های دیگری را نیز برای مقابله با آنها به آسمان بفرستد.

طبق نقشه قرار بود ابتدا تامکت سلطان ۷ با فلاگر های عراقی درگیر شود . بر همین اساس وقتی داشت ارتفاع خود را ۲۲۰۰۰ پایی می رساند ، کمک خلیان تامکت سلطان ۷ در حالی که مشغول تنظیم رادار می‌گردد خود بود ، مشاهده کرد که در فاصله ۵۶ کیلومتری اش ۴ فروند میگ ۲۳ (فلاگر) به صورت جفتی در حال پرواز هستند . وی سریع‌موضوع رو به کاپیتان صدقی اطلاع داد.

صدقی پس از سنجیدن دقیق وضعیت و شرایط میگ های عراقی ، تصمیم گرفت در همون ابتدای امر به دو تا میگی که جلوتر در پرواز هستند حمله نماید . تصمیم‌گیری از جنگنده های عراقی ، صدقی اجازه شلیک موشک فینیکس را به کمک خلیان داد . وی موشک را بر روی اولین میگ ۲۳ که در جلو حرکت میکرد شلیک کرد ، موشک بلافاصله از تامکت جدا شده و به سمت جنگنده عراقی که در فاصله ۳۰۰۰ پایی حرکت می کردبه پرواز در آمد . ۸ ثانیه بعد نیز دومین موشک فینیکس به سمت دومین هوپیمای میگ ۲۳شلیک شد. . علیرغم شلیک ۲ موشک ، هنوز ۲۲ ها به مسیر خود ادامه می دهند . احتمالاً آنها هنوز از حضور تامکت‌ها در منطقه و سروشت سیهی که در انتظارشان بود بی خبر بودند.

بهترین لذت در درگیری های هوایی ، مشاهده نمودن سرنوشتی هوپیمای‌های دشمن است . همان کاری که کاپیتان صدقی با همکاری بعد از شلیک دو موشک انجام داد. اما هنوز موشک‌های شلیک شده به فلاگر‌ها اصابت نکرده بود که با شنیدن خبری ، عیش آن‌ها در آسمان منقض گردید !
بله برخورد نکرده بود اما فیوز مجاورتی آن فینیکس کار میگ ۲۳ عراقی را یکسره کرده بود. تا این لحظه ۲ فروند میگ ۲۳ عراقی نابود

ایثار

روزی که پایگاه الهوریه عراق منهدم شد

[فرید مدرسی]



پرواز کنند و آنها را رهگیری نمایند.
میگ ۲۳ های عراقی قصد گردش و حرکت به سمت فانٹوم‌ها را داشتند اما خوشبختانه فرصتی پیدا نکردند. اولین فینیکس به میگ ۲۳ جلویی برخورد کرد و آن را به تلی از آتش بدل کرد . کمک خلیان تامکت سلطان ۷ فریادی از خوشحالی کشید. با این وجود به نظری می رسید که صدق فینیکس دوم به هدف برخورد نکرده اما لحظاتی بعد کمک خلیان متوجه شد که دومین میگ ۲۳ نیز در حال سقوط به طرف زمین است.

به احتمال زیاد موشک به خود هوپیمای برخورد نکرده بود اما فیوز مجاورتی آن فینیکس کار میگ ۲۳ عراقی را یکسره کرده بود.

تا این لحظه ۲ فروند میگ ۲۳ عراقی نابود

شده بودند ، اما خدمه تامکت‌ها فرصتی برای شادمانی نداشتند چون هنوز ۲ فروند میگ ۲۳ دیگر در منطقه حضور داشتند که ممکن بود خطراتی برای فانٹوم‌ها ایجاد کنند . میگ ۲۳‌های باقی مانده کاملاً گیج شده بودند و نمی‌دانستند چه باید بکنند. آن‌ها ابتدا به سمت جنوب تغییر مسیر دادند ولی بعد پشیمان‌ها شده به سمت غرب تغییر مسیر دادند و پس از آن شروع به کاهش ارتفاع نمودند .

آنها هنوز هم نمی‌دانستند که چه چیزی و منتظر موقعیت مناسبی برای شکار آن‌ها بودند .
... شوک ناشی از متلاشی شدن ۲ فروند میگ ۲۳ در مقابل چشمان خلیاتان میگ ۲۲‌های باقی مانده باعث شد تا آنها دو



در سال ۶۵ بعد از عملیات پیروزمند کربلای ۵ در منطقه شلمچه برای اینکه دشمن را بتوانیم بعد از آن ضربه سخت از لحاظ روحی و نیرو نیز مجدداً تضعیف و منایم و همچنین از جهت امکانات و مهمات و تجهیزات دهیم که تا چه حد نیروهاشان آماده‌گی دارند، قرار شد از طرف فرماندهی تیپ در آن منطقه "جنگ بی سیم راه احمد" به فرماندهی صبح روزی که قرار بود عصر آن جنگ بی سیم داشته باشیم به ما اطلاع دهند که امشب ساعت ۱۰ قرار است عملیات شروع شود. تمام بی سیم‌ها ی‌تان روشن باشد و مرتب با اهدافی تحت الامر خود تماس داشته باشید کسی در خط مقدم بیرون از سنگرها‌ها تردد نداشته باشد برای اینکه ما آتش می‌ریزیم و دشمن به جواب می‌دهد دیگر به اسم گردانهای عملیاتی جواب می‌دهند. ما دو گردان را تحت پوشش داشتیم که با نامهای "حسن و ابوالفضل" فرا خوانده می‌شدند. این دو در جواب

بهترین لذت در درگیری های هوایی ، مشاهده نمودن سرنوشتی هوپیمای‌های دشمن است . همان کاری که کاپیتان صدقی با همکاری بعد از شلیک دو موشک انجام داد. اما هنوز موشک‌های شلیک شده به فلاگر‌ها اصابت نکرده بود که با شنیدن خبری ، عیش آن‌ها در آسمان منقض گردید !

اشتباه بزرگ انجام دهند. یکی این که به سمت غرب راه افتادند و پشت خود را به سمت تامکت‌ها نموده بودند (اکنون تامکت‌ها دقیقاً در پشت آن‌ها قرار گرفته بودند) و دیگر اینکه کاهش ارتفاع داده بودند و باعث شده بودند تا تامکت‌ها در ارتفاع بالاتری قرار بگیرند که برای حمله بسیار آیداله آن‌ها بود .

تامکت‌ها برای چند لحظه پس سوز موتورهایشان را روشن کردند تا به سرعت مناسبی برسند و فاصله شان با فلاگر‌ها کمتر شود. خدمه دو تامکت اکنون خودشان را برای شلیک موشک های اسپارو به طرف فلاگر های عراقی که فقط ۱۲ کیلومتر جلوتر از تامکت‌ها بودند آماده می کردند .

این بار نوبت طیبی بود که وارد عمل شود بنابراین صدقی ۲۰۰۰ پا از او فاصله گرفت تا مواظب اطراف باشد و چنان‌چه هنوز جنگنده عراقی ناشناخته‌ای در منطقه باقی مانده بود آن را رهگیری کند. لحظاتی مانده به شلیک موشک‌های اسپارو ، طیبی با صدقی تماس گرفت و اعلام کرد که در GSD جنگنده اش مشکلی به وجود آمده است. ! ساختار سیستم تسلیحات تامکت بگونه‌ای است که بدون داشتن یک CSD فعال و بدون مشکل کار رهگیری دشمن و شلیک موشک کاملاً غیرممکن است.

طیبی می‌توانست مشکل را حل نماید، برنامه ریزی مجدد CSD در حدود ۵ دقیقه زمان می برد و آن ۶ و ۸ دقیقه نیز نیاز بود تا سیستم‌ناوبری هوپیمای اصلاح کرد. در ۳۰۰ کیلومتری عمق آسمان عراق قرار داشت و فرصت و سوخت کافی برای انجام این کار‌ها نداشت. بدون CSD ، طیبی تنها می‌توانست از مسلسل هوایمما استفاده کند و برای برگشت به فضای امن ایران نیازمند شانس زیاد و اسکورت از سوی جنگنده دیگری می بود. صدقی که از این مشکل آگاه شده بود و می‌دانست که طیبی فرصتی برای رفع مشکل ندارد به او دستور داد که از ادامه مسیر خودداری کند و به سمت منطقه‌ای که تاکرها در حال گردش بودند برگردد و منتظر بماند. او خودش به دنبال میگ‌۲۲‌های باقی مانده به راه افتاد....

صدقی موشک حرارتی را مسلح کرد و به دنبال میگ ۲۳‌ها به راه افتاد . وی یک بار دیگر نیز از پس سوز استفاده نمود تا به سرعت دست یابد . اکنون صدقی به نزدیکی فلاگر‌ها که در ۱۰۰۰۰ پایی پرواز می کردند رسیده بود . در ۱۵۰۰ متری آن‌ها ، صدای قفل موشک سایدوایندر را شنید اما قبل از آنکه موشک او شلیک شود ، فلاگر‌ها به یک باره از هم جدا شدند و لیدر به سمت راست گردش کرد و وینگ من هم به سمت چپ. مسلماً آن‌ها اکنون از حضور تامکت مطلع شده بودند . صدقی بلافاصله به راست

گردش کرد و به دنبال لیدر رفت . فلاگر عراقی سعی در انجام مانورهای شدید جهت جلوگیری از شلیک موشک توسط صدقی داشت اما بالاخره صدقی توانست تا بر روی فلاگر قفل کند و موشک سایدوایندر را به طرفش شلیک کند . ثانیه‌هایی بعد موشک به هدف برخورد کرد و آن را متلاشی کرد... هنوز لحظاتی از متلاشی شدن فلاگر عراقی نگذشته بود که کمک خلیان صدقی به وی خبر داد که آخرین میگ ۲۳ دقیقاً در پشت سر آن‌ها قرار دارد و هم چنین سوخت چندانی برای آنها باقی نمانده است . بر حسب پرواز با سرعت ۵۲۰ مایل بر ساعت ، با سوخت نه چندان زیاد و با یک میگ ۲۳ دقیقاً در پشت سر، صدقی مانوری شبیه مانور کبرا انجام داد.

این مانور باعث شد تا سرعت وی در چند ثانیه به یکباره از ۵۲۰ مایل بر ساعت به ۱۵۰ مایل بر ساعت کاهش پیدا کند . ۱۵۰ مایل بر ساعت کاهش پیدا کرد ، اما خلیان آخرین میگ ۲۳ که انتظار چنین مانوری را نداشت غافلگیر شد و به یکباره از صدقی جلو افتاد. اکنون صدقی در پشت سر فلاگر عراقی قرار گرفته بود، وی مجدداً پس سوز را روشن کرد تا به سرعت دلخواه برسد سپس یک تیر موشک حرارتی سایدوایندر روانه فلاگر عراقی کرد . این موشک نیز همانند ۳ موشک قبلی به هدف اصابت کرد و باعث شد تا فلاگر عراقی منهدم شود.

پس از منهدم کردن آخرین فلاگر عراقی ، صدقی پس سوز را خاموش کرد و با سرعت عادی به سمت تاکرها به راه افتاد . وی در تماس با سلطان ۹ وضعیت خود را اطلاع داد و همچنین متوجه شد که تمام فانٹوم‌ها به سلامت به تاکرها رسیده اند و پس از سوختگیری‌های آسمان ایران شده‌اند. پس از لحظاتی صدقی کمک خلیانش توانستند تا تاکرها سوخت رسان را ببینند در حالی که اسکورت‌های سلطان ۱ و سلطان ۲ آن را شناسایی می کردند. صدقی توانست همانند سایر پرنده‌های حاضر در عملیات به راحتی سوختگیری نماید و به سلامت به آسمان ایران اسلامی برگردد...بعد از عملیات مشخص شد که فانٹومهایی که به پایگاه هوایی الهوریه حمله کرده بودند ، علاوه بر وارد کردن خسارات جدی توانسته‌اند تا ۲ فروند میگ ۲۱ و یک فروند Mi-۸ را نیز نیز بر روی زمین آن بین ببرند.

همچنین حداقل یک متخصص فرانسوی در جریان حمله به هلاکت رسید و یک نفر دیگر نیز زخمی شد. بعد از این جریان تمامی متخصصان فرانسوی به فرانسه بازگشتند. همچنین بعداً مشخص شد که ۳ خلیان از ۴ خلیانی که میگ ۲۳‌هایشان توسط صدقی ساقط شده بود کشته شدند که از جمله آنان می‌توان به کاپیتان احمد صباح (شکاری ۲) فرود - E0۴ ایرانی درروزاول (جنگ) اشاره کرد.

اما آنچه برای نیروهای رزمنده مهم بود اضطراب دائمی،پریشانی روحیه‌ها و هدر رفتن آن همه مهمات و امکانات عراقی‌ها بود که بواسطه حماقت علنی صورت عملی هم بخود می گرفت

می‌گفتند و با بیچارگی و دست پاچگی و درخواست کمک و نیرو می کردند. آنها واقعا پشت بی سیم به مثل می‌گفتیم نیروهایتان را آماده کنید و از سمت چپ بطرف دشمن بروید. ابوالفضل تو از طرف راست برو و سعی کن در نقطه یا زهرا با حسن الحاق پیدا کنی. از آنطرف هم در لحظه‌های مختلف زمانی حسن و یا "ابوالفضل" با ما تماس می‌گرفتند و می‌گفتند که ما الان در نقطه یا حسین هستیم چه کنیم و ما گفتیم شما سعی کنید به ابوالفضل و یاکردانی دیگر از واحدهای دیگر دست بدهید. گردانها مرتب با ما و ما با فرماندهی تماس می‌گرفتیم و بی سیم چی‌ها درست مثل یک جنگ

بصورت معمول و عادی صحبت می‌نمودیم و وقتی گردانی را صدا می‌زدیم می‌گفتیم شما چه کرده‌اید او هم می‌گفت: ما داریم به پیش می‌رویم. ان میدان بین گذاشتیم از خط اول رد شدیم

و حالا به تانکهایشان برخوردیم، ما هم به آن گردان می‌گفتیم شما سعی کنید حتماً با نیرویهای سمت چپ دست بدهید. اگر اسپر گرفتید اسرا را بفرستید تا ما از آنها کسب اطلاعات کنیم. این جنگ بی سیم‌ها از ساعت ۱۰ شب تا ساعت ۳ بعد از نیمه شب طول کشید.

بعد از آن نوبت عراقی‌ها بود تا چند روز بعد بطور دائم و بی درپی در هیجان باشند و لحظه‌ای آتش ریختن آنها قطع نشود. حتی این جنگ بی سیم‌ها یک هفته بارش مداوم گلوله و خمپاره و... و از طرف عراقی‌ها بر روی خط ما در برداشت. اما آنچه برای نیروهای رزمنده مهم بود اضطراب دائمی پریشانی روحیه‌ها و هدر رفتن آن همه مهمات و امکانات عراقی‌ها بود که بواسطه حماقت آنها صورت عملی هم بخود می گرفت.

جمال وافی
فرماندهان بسیجی دفاع مقدس

پذیرش

قطعه‌نامه ۵۹۸

از زبان دکتر ولایتی



از جمله خاطرات دیگر من موضوع سقوط هوپیمای ایرانی توسط ناو آمریکایی بودو متعاقب آن پذیرش قطعه‌نامه ۵۹۸ توسط حضرت امام رضوان الله تعالی علیه.

ما برای سقوط هوپیمای ایرانیس درخواست کردیم،موضوع در شورای امنیت مطرح شود، این کار صورت گرفت و من در شورای امنیت شرکت کردم و از طرف آمریکا هم جرج بوش که آن زمان معاون رئیس جمهور آمریکا بود شرکت کرد به هر حال ما در آنجا دلایل حضورمان را گفتیم و آنها دلایل ما را رد کردند و یک حالت منظره ماندنی در شورای امنیت صورت گرفت . آن جلسه تمام شد و ما به سوی ایران حرکت کردیم به محض اینکه به تهران رسیدیم به من گفتند که قطعه‌نامه ۵۹۸ پذیرفته شده و تو دوباره باید برگردی به سازمان ملل.

جلسه ای با شرکت سران ۳ قوه و هیئت دولت در ریاست جمهوری تشکیل شد و این تصمیم امام (ره) به اطلاع رسید و خواست شد که ما مجدداً به سازمان ملل بازگردیم و اختیارات کافی هم به ما داده شد برای اینکه بتوانیم درآنجا مذاکرات صلح را دنبال کنیم ازهمان ابتدا که به فرودگاه کندی رسیدیم خبرنگاران تا هر جگای که می‌رفتیم به دنبال می آمدند.

برای مردم خیلی مهم بود که ببینند چرا ایران قطعه‌نامه را پذیرفته است. البته در شکل گیری قطعه‌نامه ۵۹۸ خود ما دخالت زیادی داشتیم و برخی از بندهایش به درخواست ما در آن گنجانیده شده بود از جمله تعیین متجاوز.

رفتیم آنجا اعلام آمادگی کردیم که ما آمده ایم و با آقای دکوئیاریا لیس وقت سازمان ملل) قرار گذاشتیم برای ملاقات. او در آنجا دکوئیار که شدم در یک اتاقی که معمولاًمقامت آنجا صورت می‌گرفت،دکوئیاریا از

اتاق خصوصی خود به محل ملاقات آمد به محض اینکه او آمد و ما با هم دست دادیم و خواستیم بنشینیم پشت میز مذاکرات، تکلیسی به دست من داندن که روی آن نوشته بود مناقب یا حمایت عراق حمله کرده اند و از

دکوئیار هم که دید دارد

کاربه جاهای باریک می رسد.

عواملی را به کار گرفت

ازبرخی سیاستمداران منطقه،

مثلاً وزیر خار چه کویت

یک سفر به بغداد داشت،

سفیر سعودی در آمریکا

ملاقاتی با دکوئیار داشت

به این شکل آنها وارد

صحنه شدند

طارق عزیز می آمد (پیش دبیرکل) چیزهایی می گفت و یادآوداشت می کرد.بعد ما می رفتیم و او می گفت باین دکوئیار چطورید. ما یادآوداشت می کردیم وبع کاذب رازاوی می‌گرفتیم ومی آسدم شب مشورت می کردیم یک متنی تهیه می کردیم، فردا می رفتیم قرائت می کردیم و می‌گفتیم جواب ما این است. دبیر کل یادآوداشت می کرد می رفت به اتاق طارق عزیزصحبت می کرد و دو مرتبه یادآوداشت می کرد تا جلسه بعدی و همین طور ادامه داشت.

یک بار که مساله لا یروبی را طارق عزیز مطرح کرد ما دیدیم که بر اساس قرارداد هیچ قائل به رعایت این قواعد نیستند. حدس ما این بود که اینها می‌خواهند یک گوشه قرارداد ۱۹۷۵ را سست نمایندتا بعد از آن را به راحتی قابل سست شدن کنند. ما گفتیم نه بالاخره لا یروبی یک قاعه‌ای دارد.

به هر حال کارآدمه پیدا کرد و به جایی رسید که ما آقای دکوئیار را تهدید کردیم دکوئیار هم که دید دارد کار به جاهای بارگی می رسد. عواملی را به کار گرفت ازبرخی سیاستمداران منطقه، مثلاً وزیر خارجه کویت یک سفر به بغداد داشت، سفیر سعودی در آمریکا ملاقاتی با دکوئیار داشت به این شکل آنها وارد صحنه شدند و بالاخره طارق عزیز به بغداد بازگشت و از آنجا حکومت عراق اعلام کرد که آتش بس رایزنیرفته و تاریخی تعیین کردیم، اول تاریخی را دکوئیار پیشنهاد کرد ما آمدمیم آن تاریخ را با تقویم خودمان منطبق کردیم، دیدیم درست با روز ۲۸ مرداد مواج است.

دیدیم این روز روند منجوسی است گفتیم نه، روز ۲۹ حراد باید باشد. بگورن خودمان گفتیم که این پذیرفته شد و آتش بس در جبهه‌ها برقرار شد.

کمبود آگاهی دمر باره دیابت به علاوه دسترسی ناکامی به خدمات بهداشتی می تواند

منجر به عوارضی مثل نابینایی ، قطع عضو و نارسایی کلیوی گردد

✓ مرکز بهداشت استان هرمزگان

